

گسترش صنعت در عرصه های کشاورزی مطالعه روستای ایرج، دهستان رویین، شهرستان اسفراین

بیژن رحمانی* - دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی
محمد میرزایی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی
پذیرش مقاله: ۸۳/۱۰/۱۶ تأیید نهایی: ۸۵/۱/۲۸

چکیده

ایجاد صنایع بزرگ در نواحی روستایی همواره دگرگونیهای بی سابقه ای را در فضای روستایی به وجود آورده است. در یک دهه اخیر ایجاد و گسترش فعالیتهای صنعتی در روستاهای ایران و از آن جمله دهستان رویین شهرستان اسفراین منجر به تغییراتی در ابعاد مختلف شد که الگوی اقتصادی - اجتماعی این دهستان را تحت تأثیر قرار داده و آنچه را که از روستا شناخته شده است، دچار تحول کرد.

این مقاله با هدف شناخت تغییر و تحولات ایجاد شده در نتیجه به وجود آمدن و گسترش فعالیتهای صنعتی و بازتاب آن در توسعه سکونتگاههای روستایی انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که عامل اصلی تغییر کاربری اراضی، استقرار صنایع بزرگ در محدوده مطالعه شده بوده است، زیرا تا قبل از استقرار صنایع بزرگ تنها در حدود ۱۳ هکتار از اراضی، کاربری صنعتی داشته و بعد از استقرار صنعت تا سال ۱۳۸۲ در حدود ۱۳۵۳ هکتار از اراضی، تغییر کاربری پیدا کرده است. همچنین از دیگر آثار توسعه این فعالیت کاهش منابع آب کشاورزی به نفع کاربریهای غیر کشاورزی می باشد.

کلید واژه ها: روستای ایرج، اسفراین، صنایع روستایی، سیاست، بازتاب.

مقدمه

ایجاد واحدهای صنعتی بزرگ در نواحی روستایی همواره منجر به دگرگونی در ساختار اقتصادی - اجتماعی و تغییرات کالبدی - فضایی و زیست محیطی شده است. استقرار صنایع بزرگ و ملی به وسیله دولت در نواحی روستایی با هدف صنعتی کردن روستاها نبوده است، بلکه ایجاد این صنایع در نواحی توسعه نیافته در راستای تمرکز زدایی صنعتی، تعدیل و کاهش نابرابریهای منطقه ای بوده است.

در این راستا استقرار صنایع بزرگ در دهستان رویین نیز با هدف محرومیت زدایی و کاهش نابرابریهای منطقه ای صورت گرفته است. اگر چه فعالیتهای صنعتی در مقایسه با دیگر فعالیتهای سطح کوچکی را اشغال می کند، ما به دلیل پیچیدگی این نوع فعالیت نسبت به فعالیتهای دیگر، آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی - فضایی و زیست محیطی بیشتری را در پی دارد.

در اینجا بی مناسبت نیست تا به ویژگیهای جمعیتی دهستان روین، روستای ایرج و تحولات آن اشاره شود. جمعیت دهستان روین و روستای ایرج در مقاطع مختلف زمانی در جدول ۱ آورده شده است. بر این اساس جمعیت دهستان روین مطابق آمار سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۵ برابر با ۱۴۰۷۷ نفر بوده است. در سال ۱۳۶۵ حدود ۱/۲ برابر، در سال ۱۳۷۵ حدود ۱ برابر و در سال ۱۳۸۱ نیز ۱ برابر شده است. افزایش جمعیت در فاصله ۲۶ سال، یعنی از سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۸۱ در این دهستان زیاد نبود، به طوری که حتی در سال ۱۳۸۱ نسبت به سال ۱۳۵۵، به اندازه ۱/۳ برابر افزایش جمعیت داشته است. جمعیت روستای ایرج در سال ۱۳۵۵ برابر ۶۷۲ نفر بوده که بترتیب در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۱، ۱/۵، ۱/۴، ۱/۱ برابر شده است. جمعیت این روستا در سال ۱۳۸۱ به ۱۵۵۰ نفر رسیده است (یعنی ۸/۵ درصد کل جمعیت دهستان را شامل می شود)؛ به طوری که نسبت به سال ۱۳۵۵، به اندازه ۲/۳ برابر افزایش جمعیت داشته است. افزایش جمعیت در روستای ایرج نسبت به دهستان روین ۲ برابر بوده است. این افزایش جمعیت در یک دهه اخیر به دلیل استقرار واحدهای صنعتی در مجاورت روستای ایرج بوده که تا حدودی باعث ایجاد اشتغال دائم و موقت شده است و این امر علاوه بر اینکه مانع از مهاجرت روستائیان شده، باعث جذب جمعیت از روستاهای پیرامون نیز شده است.

جدول ۱: جمعیت دهستان روین و روستای ایرج در مقاطع مختلف سرشماری*

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۵	رشد دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵	۱۳۷۵	نرخ رشد ۱۳۶۵-۱۳۷۵	۱۳۸۱	نرخ رشد ۱۳۷۵-۱۳۸۱
جمعیت دهستان	۱۴۰۷۷	۱۷۲۷۹	۲,۱	۱۷۸۹۹	۰,۳۵	۱۸۲۳۱	۰,۳۱
جمعیت روستای ایرج	۶۷۲	۹۹۹	۴	۱۳۵۱	۳,۱	۱۵۵۰	۲/۳

* مأخذ: مرکز آمار ایران، شناسنامه آبادیهای کشور، شهرستان اسفراین، (سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵).

مرکز بهداشت شهرستان اسفراین، واحد آمار ۱۳۸۱.

در مجموع ۲۷ روستا در دهستان روین در سال ۱۳۸۱ وجود داشته است و روستای مطالعه شده (ایرج) از لحاظ جمعیتی روستایی پر جمعیت محسوب می شود. (شناسنامه آبادیهای کشور، سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۶، ۱۳۷۵ و آمارهای مرکز بهداشت شهرستان اسفراین، ۱۳۸۱).

با توجه به اینکه اقتصاد روستایی محدوده مطالعه شده متکی بر فعالیتهای کشاورزی سنتی، دامپروری و به طور محدودی بر صنایع روستایی استوار بوده است، در این صورت پیدایش و گسترش فعالیتهای صنعتی در این محدوده منجر به تغییراتی در چهره واحدهای مکانی و ساختار کشاورزی، شرایط اقتصادی - اجتماعی و کالبدی و فضایی شده است. در این راستا روستای ایرج که در مجاورت واحدهای صنعتی می باشد، بیشترین تأثیر را از استقرار این واحدها پذیرفته است. تغییر و تحولات ایجاد شده در روستای ایرج با ایجاد واحدهای صنعتی ارتباط دارد و بدون آن قابل درک نیست. به این ترتیب نکات زیر را در نتیجه تغییر و تحول فوق می توان بیان کرد:

۱- تغییر کاربری اراضی؛

۲- کاهش منابع آب کشاورزی به نفع کاربری های غیر کشاورزی؛

۳- افزایش درآمد و اشتغال در بخش غیر کشاورزی؛

۴- افزایش قیمت زمینهای مسکونی و تغییر بافت کالبدی در روستای مطالعه شده؛

۵- تغییر در فعالیت و شرایط معیشتی روستاییان؛

۶- تغییرات جمعیتی و تحول در رابطه شهر و روستا؛

بی تردید مطالعه و شناخت آثار فعالیت‌های مذکور در محدوده مطالعه به جهت پیامدهای فضایی آن در برنامه ریزی به منظور دستیابی به توسعه روستایی و تعادل و توازن بین مناطق روستایی، شهری و ایجاد کیفیت نوین زندگی برای رشد و تعالی روستانشینان ضروری می نماید.

تقابل یا همجواری صنعت و جامعه روستایی

ورود فعالیت‌های صنعتی بصورت‌های خواسته شده و ناخواسته به همراه خود بازتابهایی داشته است که در برخی از موارد منجر به بحرانهای اقتصادی و زیست محیطی شده است. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان توسعه همجواری صنعت با فعالیت‌های سنتی روستا را توجیه می کنند و بسیاری آن را برای روستا و صنعت نامساعد می دانند.

توسعه صنایع به صورت آنی و ناگهانی نبوده است، تقریباً قبل از بروز انقلاب صنعتی در دو قرن گذشته، همراه فعالیت‌های زراعی و دامی در بعضی از نقاط دنیا فعالیت‌های مدرن صنعتی نیز مشاهده می شد. تا اینکه بعد از انقلاب زراعی، انقلاب بزرگ صنعتی تحقق پیدا کرد. (قره نژاد، ۱۳۷۱، ۱۱۰).

در این راستا ارتباط بین صنعتی شدن و توسعه روستایی از طریق افزایش دستمزدها، فرصت‌های شغلی و درآمدی تصریح شده و بسیاری از محققان توسعه بر این اعتقادند که تمرکز زدایی صنعتی منجر به ایجاد درآمد، افزایش تقاضا و مصرف در مناطق روستایی شده است.

استقرار صنایع بزرگ و کوچک در نواحی روستایی تأثیرات زیادی بر این نواحی می گذارد و گاهی اوقات دگرگونی کامل آن را سبب می شود. روستاهایی به شهر تبدیل می شوند و روستاهایی که به صورت شهر در نمی آیند، نوسازی شتاب می گیرد و نحوه خانه سازی و نوع مصالح ساختمانی تغییر پیدا می کند. زمینهای کشاورزی مجاور صنایع بتدریج تغییر کاربری می دهند و برای واحدهای مسکونی و احداث و انواع مختلف کارگاه، تعمیرگاه و فروشگاه و غیره استفاده می شوند. روستاهایی که در مجاورت صنایع و تحت تأثیر آنها قرار می گیرند، مشاغل مردم دستخوش تغییراتی می شود.

فعالیت‌های صنعتی با ایجاد مشاغل جدید، موجب جذب نیروی کار از روستاها و شهرهای پیرامون می شود. تمرکز جمعیت در مراکز زیست مانند روستاها و شهرهای مجاور صنایع، موجب بروز مجموعه ای از عوارض اجتماعی می شود. افزایش قیمت زمین، مسکن و سایر ملزومات زیستی و رفاهی آنها و... بخش وسیعی از این عوارض را در بر می گیرد. تأمین مسکن، بر اساس تجاربی که تاکنون به دست آورده است، یا تخریب اراضی زراعی اطراف شهرها و روستاها یا تخریب اراضی نیاز برای ایجاد شهرکهای جدید همراه است، یا گسترش بی رویه و بی ضابطه خانه سازی و ایجاد خیابانهای جدید آثار سوء بر بافت قدیمی و آثار باستانی شهر و روستا می گذارد. ترافیک نه تنها مسائل اجتماعی و روانی را موجب می شود، بلکه میتواند با ایجاد آلودگی بر مردم و ... اثر گذارد.

این آثار و عوارض از آن جهت است که تمرکز صنایع در حاشیه یا با فاصله نزدیک به شهر یا روستا، به خصوص صنایعی که به نیروی انسانی زیادی احتیاج دارند، موجب یک دور تسلسل می شود. جذب صنعت در یک منطقه سبب جذب انسانها و جذب انسانها موجب ایجاد جاذبه ها (زیربنها و زیرساختها) و ایجاد جاذبه ها مجدداً سبب جذب صنعت و شروع

دوباره این دور می شود. این نقطه می تواند روستا یا شهر باشد. طبیعی است که برای جلوگیری از چنین دور تسلسلی و ایجاد مانع در برابر آثار جانبی، یا به ناچار باید آن را از نقطه ای قطع کرد، یا اینکه باید اقدامات مؤثری در نقطه شروع آن انجام داد. نقطه شروع فوق، فعالیتهای صنعتی است، زیرا که از میان سه فعالیت عمده اقتصادی یعنی کشاورزی، خدمات و صنعت، کشاورزی فعالیتی است پراکنده که کمتر موجب تراکم زیاد و بیش از اندازه انسانها می شود. در شکل ۱ برخی از آثار صنعت بر اقتصاد منطقه نشان داده شده است. از سوی دیگر خدمات همیشه تابعی از انسانها و با تغییر تعداد انسانها، میزان نیاز به خدمات نیز کم و زیاد می شود. در این میان آنچه که باعث تغییرات عمده می شود، فعالیتهای صنعتی است. خواه این تغییر عمده ناشی از فعالیتهای صنعتی باشد، خواه از طریق تغییر در عوامل تولید کشاورزی مثل مکانیزه کردن یا جذب نیروی انسانی به عبارت دیگر، بر اساس تجارب چند دهه اخیر قسمتی از تغییرات بخش کشاورزی ناشی از تحولات، ضرورتها و نیازهای بخش صنعت است. (برنامه و بودجه استان اصفهان؛ خطوط هادی برای سازماندهی امور صنعتی استان اصفهان؛ اصفهان، برنامه و بودجه، ۱۳۶۴، ۱۷ - ۱۹).

یکی از آثار ایجاد واحدهای صنعتی در نواحی روستایی افزایش جمعیت می باشد. در این صورت با توجه به اینکه روستای ایرج در مجاورت تمرکز صنایع (مجتمع فولاد و لوله بدون درز) قرار گرفته است به نظر می آید در آینده ای نه چندان دور پذیرای جمعیتی بیشتر از حال شود، هر چند که در حال حاضر روند افزایش جمعیت در روستای ایرج تشدید شده است.

در اثر بارگذاری صنعتی و در نتیجه، بارگذاریهای جمعیتی که در محدوده مطالعه شده در حال انجام گرفتن است، همراه با افزایش بازده صنعتی، خوراک و همچنین خدمات سرانه اجتماعی افزایش پیدا می کند، ادامه رشد، منابع طبیعی به طور چشمگیری کاهش پیدا می کنند. با رشد صنایع در منطقه و جذب نیروی انسانی همراه با رشد طبیعی جمعیت، بار جغرافیایی منطقه افزایش خواهد یافت و این موضوع باعث خواهد شد که به محیط آسیب جدی وارد شود و مهاجرانی که به این جامعه اضافه می کردند احتیاج به زمین برای مسکن، جاده، دفع زباله و مانند آن داشته و همه این عوامل دست به دست هم خواهد داد تا زمینهای مرغوب اطراف روستا بیشتر استفاده شود و هر روز امکانات این محدوده، محدود تر شود و امکانات کمتری جهت تولید محصولات کشاورزی باقی بماند^۱.

۱- در این باره همچنین نگاه کنید به کتاب بنیادهای جغرافیایی اقتصاد ایران، بیژن رحمانی، انتشارات علوی ۱۳۷۵، بخش کلیات

روستایی مزبور ۶۷۵ کارگاه خانگی (این کارگاه ها معمولاً فعالیت نامنظم و غیر مستمر داشته و به وسیله افراد خانواده در محل سکونت اداره می شوند) و ۴۹ کارگاه غیر خانگی (کارگاههایی که در بیرون از منازل مسکونی اداره می شود) بوده اند. در این کارگاه ها در حدود ۱۴۲۳ نفر فعالیت داشته اند. بیشترین کارگاههای روستایی مربوط به روستای رویین، ست، کلات، عراقی و ایرج بوده است. تمامی روستاهای فوق در دره های کوهستانی شمال دهستان واقع شده اند. صنایع دستی در این دهستان بیشتر در روستاهای دره ای شمال دهستان به دلیل محدودیت زمین کشاورزی می باشد و هر چه به سمت روستاهای واقع در نواحی دشتی و هموار می آیم فعالیت صنایع روستایی کم و فعالیت زراعت بیشتر می گردد. با توجه به جدول ۲ در سال ۱۳۷۵ تعداد ۱۵ کارگاه با ۳۱ شاغل در روستای ایرج فعالیت داشته و این تعداد در سال ۱۳۸۱ به ۳۷ کارگاه با ۵۲ شاغل رسیده است.

جدول ۲: تعداد کارگاهها و افراد شاغل روستای ایرج در سالهای مختلف

زمان	تعداد کارگاه	تعداد افراد شاغل
۱۳۷۵	۱۵	۳۱
۱۳۸۱	۳۷	۵۲

ماخذ: مرکز خدمات روستایی ایرج، ۱۳۸۱ و رحمانی - میرزایی، ۱۳۸۲

هنوز بخش غالب فعالیتهای صنعتی خانوارهای روستایی را فعالیت فرش بافی تشکیل می دهد که با توجه به سلطه واسطه ها بر این نوع فعالیتها سهم سود، مزد و حقوق تولید آن بسیار اندک است.

کارگاههای کوچک صنعتی (زیر ده نفر کارکن) تا پایان سال ۱۳۸۱ در دهستان رویین جمعاً ۳۵ واحد صنعتی کوچک بوده و در مجموع برای ۱۸۸ نفر ایجاد شغل شده است. از نظر نوع فعالیت تولیدی کارگاههای صنعتی بیشترین فعالیتهای صنعتی مربوط به فعالیت صنایع نساجی می باشد. تعداد کارگاههای صنعتی کوچک در روستای ایرج ۳ واحد با ظرفیت اشتغالزایی ۱۵ نفر می باشد. در این روستا واحدهای صنعتی کوچک در مقایسه با صنایع روستایی و صنایع بزرگ کم می باشد. جدول ۳ وضعیت واحدهای صنعتی کوچک در دهستان رویین را در سال ۱۳۸۱ نمایش می دهد.

جدول ۳: صنایع کوچک دهستان رویین بر اساس نوع فعالیت و تعداد افراد شاغل

صنایع	نوع فعالیت	تعداد واحد صنفی	افراد شاغل
صنایع مواد غذایی	ترشیجات - تولید آرد	۲	۸
صنایع نساجی	تولید پنبه، باند پانسمن، تولید فرش و چادر شب، کیسه گونی	۱۵	۱۰۵
صنایع چوب	تولید درب و پنجره چوبی	۳	۹
صنایع شیمیایی و سلولوزی	لوله پلی اتیلن - رنگ	۳	۲۳
صنایع محصولات کانی غیر فلزی	سنگهای معدنی - تولید شن و ماسه	۴	۲۴
صنایع فلزی	تولید درب و پنجره آهنی	۷	۱۴
صنایع ساختمان و راهسازی	تولید آسفالت	۱	۵
	جمع	۳۴	۱۸۸

ماخذ: - مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۸۲

کارگاههای بزرگ صنعتی در دهستان روین با سرمایه گذاری هنگفت و به ویژه سرمایه گذاری ارزی و ریالی در سال ۱۳۷۰ به وجود آمدند. واحدهای بزرگ صنعتی که تا سال ۱۳۸۲ فعالیت دارند تعداد ۲ واحد صنعتی بزرگ می باشد و یک واحد صنعتی بزرگ نیز کار ساختمانی را شروع کرده است. این واحدهای صنعتی بزرگ که جزء طرح های ملی می باشند، در روستای ایرج واقع شده اند. این صنایع در گروه صنایع فلزات اساسی قرار دارند و شامل مجتمع فولاد اسفراین و کارخانه لوله بدون درز می باشد.

بر اساس جدول ۴ تعداد افراد شاغل کارخانه لوله بدون درز ۵۰۰ نفر می باشد، همچنین تعداد کارگران شاغل در شرکت ساختمانی مانا در کارخانه لوله بدون درز در سال ۱۳۸۱ حدود ۲۰۰ شاغل بوده که ۱۴۰ نفر از دهستان روین بوده است.

در کارخانه ریخته گری و آهنگری مجتمع فولاد تا پایان سال ۱۳۸۱ حدود ۵۸۱ نفر کارکن داشته است که تا پایان طرح این مجتمع بر اساس پیش بینیهای طرح جمعیت افراد شاغل آن به ۱۹۱۳ نفر خواهد رسید که از این تعداد ۷۴ نفر از دهستان روین در کارخانه ریخته گری شاغل رسمی هستند. از این ۷۴ نفر ۱۰ نفر از روستای ایرج می باشند.

در شرکت مجتمع فولاد نیز ۸۴ نفر از کل روستاهای اسفراین شاغل رسمی هستند که از این تعداد ۲۱ نفر از دهستان روین می باشند. تعداد کل کارگران شرکتهای فعال در واحد صنعتی ریخته گری در دهستان روین ۱۶۶ نفر می باشد. کل کارگران روستایی شهرستان اسفراین در شرکتهای ریخته گری ۲۹۷ نفر بوده است. با توجه به نزدیک بودن محل استقرار این واحدهای صنعتی به روستای ایرج بیشترین افراد شاغل روستایی در این واحدها از روستای ایرج می باشد. تعداد ۱۰۹ نفر در صنایع اشتغال دارند و همچنین تعداد ۱۳ نفر از روستاییان ایرج در خارج از محدوده دهستان روین اشتغال دارند که مجموع افراد شاغل در بخش صنعت به طور کلی ۱۲۲ نفر می باشد.

بررسی میزان اشتغال و سرمایه گذاری در محدوده مطالعه شده نشان می دهد که بیشتر افراد شاغل و سرمایه گذاری انجام شده در زمینه صنایع بزرگ می باشد. کارکرد کلی منطقه چند نقشی با تمایل به سمت صنعتی شدن است. در دوره زمانی ۱۳۷۵ - ۱۳۶۵ بخش صنعت نسبت به بقیه بخشها رشد مثبتی را نشان داده است.

بنابراین مهمترین صنایع منطقه صنایع فلزات اساسی بوده که ایجاد و توسعه این صنایع همراه با دگرگونیها و تغییرات وسیعی در زمینه مسائل طبیعی، انسانی و اقتصادی منطقه بوده است.

جدول ۴: وضعیت اشتغال صنایع بزرگ در دهستان روین و روستای ایرج، ۱۳۸۱

صنایع	تعداد افراد شاغل رسمی	افراد شاغل شرکتهای وابسته به صنایع	افراد شاغل روستایی شهرستان به غیر از دهستان روین	افراد شاغل دهستان روین	افراد شاغل روستای ایرج
کارخانه لوله گستر	۵۰۰	۲۰۰	۶۰	۱۴۰	۴۰
مجتمع فولاد اسفراین	۵۸۱	۱۶۶	۳۸۱	۲۶۱	۶۵
کارخانه شن شویی	۱۴	-	۶	۸	۴

ماخذ: روابط عمومی مجتمع فولاد و کارخانه لوله گستر، ۱۳۸۲ و مطالعات میدانی، ۱۳۸۲.

صنعت و تحول در کیفیت زندگی روستایی

مهمترین پیامد ایجاد واحدهای صنعتی در محدوده مطالعه شده، اشتغالزایی، درآمدزایی و بهبود ارتقای شاخص های توسعه در سطح افراد شاغل واحدهای صنعتی بوده است. از جمله این آثار، افزایش مصرف، اعم از خرید مواد غذایی و کالاهای

مصرفی با دوام بوده است. با توجه به نتایج پرسشگری تحقیق حاضر تأثیرات این واحدها در روستاها در جهت تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و خرید کالاهای مصرفی با دوام در دوره قبل و بعد از اشتغال در این واحدها در جدول ۵ نشان داده شده است.

بنابراین با توجه به نتایج پرسشگری تحقیق حاضر، وضعیت استفاده از کالاهای مصرفی با دوام در دوره قبل و بعد از اشتغال در واحدهای صنعتی در قالب کالاهایی مانند کالاهای صوتی و تصویری، دسترسی به تلفن، موتورسیکلت و مانند آن بررسی شده است. برای تعیین وضعیت استفاده از کالاهای مصرفی با دوام از آزمون مک نمار استفاده شده است و از آزمون ویل کاکسون جهت تبیین وضعیت استفاده از کالاهای مصرفی بی دوام استفاده شده است. نتایج به دست آمده از آزمون مک نمار نشان می دهد که در هر یک از کالاهای مصرفی با دوام در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در واحدهای صنعتی، تفاوتی در سطح معنا داری وجود دارد که در جدول ۵ قابل مشاهده است؛ با توجه به جدول ۵ می توان بیان کرد که سطح معنا داری در تمامی کالاهای مصرفی با دوام کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که تمامی متغیرها در دو دوره قبل و بعد از اشتغال از سطح معنی داری برخوردار بوده و توزیع دو جامعه در هر سطحی متفاوت است. بیشترین تغییرات سطح معنی داری در کالاهایی چون تلفن و کالاهای صوتی و تصویری بوده است. به عبارت دیگر ایجاد واحدهای صنعتی در مجاورت روستای ایرج باعث بهبود وضعیت استفاده از کالاهای مصرفی با دوام شده است.

جدول ۵: آزمون تغییرات کالاهای مصرفی با دوام در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

ماشین لباسشویی	چرخ خیاطی	اجاق گاز	یخچال	موتور سیکلت	دسترسی به تلفن	تلویزیون	متغیرها (قبل و بعد از اشتغال)
.۲۰۰۰۰	.۲۰۰۰۱	.۲۰۰۰۴	.۲۰۰۰۲	.۲۰۰۰۲	.۲۰۰۰۰	.۲۰۰۰۰	NExact sing(2- Tailed) سطح دقیق معنی داری

ماخذ: نتایج پرسشنامه و تحلیل های آماری، ۱۳۸۳.

برای تعیین الگوی مصرف مواد غذایی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در واحدهای صنعتی از آزمون ویل کاکسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این آزمون بیانگر این است که تفاوتی در سطح معنا داری در هر یک از متغیرها در دو دوره قبل و بعد از اشتغال در واحدهای صنعتی قابل مشاهده است؛ یعنی سطح معنا داری تمامی متغیرها کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین می توان از این آزمون چنین نتیجه گرفت که الگوی مصرف مواد غذایی بعد از اشتغال در واحدهای صنعتی بهبود پیدا کرده و این تغییرات تابع فعالیت های صنعتی بوده است. این تغییرات در الگوی مصرف مواد غذایی در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶ آزمون تغییرات مصرف مواد غذایی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال

متغیرها (قبل و بعد از اشتغال)	وضعیت استفاده از میوه و سبزیجات	روغنها و چربیها	گوشت	برنج	لبنیات	حبوبات	قند و شکر
ZAsymp.Sing. 2- Tailed)	-۲,۶۴۰	-۲,۹۵۲	-۲,۶۵۲	-۳,۰۳۵	-۲,۷۳۹	-۳,۱۷۶	-۲,۷۳۹
سطح تقریبی معناداری	.۰۰۸	.۰۰۳	.۰۰۸	.۰۰۲	.۰۰۶	.۰۰۱	.۰۰۶

ماخذ: نتایج پرسشنامه و تحلیل‌های آماری، ۱۳۸۳ (سطح معناداری ۰/۰۵ می باشد).

از دیگر پیامدهای فعالیتهای صنعتی تغییر فعالیت از کشاورزی به صنعتی است. با توجه به اینکه درآمد حاصل از فعالیتهای کشاورزی نسبت به درآمدهای حاصل از فعالیتهای صنعتی کمتر می باشد. در این صورت این امر زمینه تغییر فعالیت از کشاورزی به صنعت را جهت کسب درآمد و امنیت شغلی بیشتر فراهم کرد. اقتصاد روستایی محدوده مطالعه شده تا قبل از ایجاد صنایع بر اساس کشاورزی بوده است. اما با ایجاد صنایع و نیاز زیاد آنها به نیروی کار فراوان و ارزان روستایی، نیروهای بیشتری را از بخش کشاورزی به خود جذب کرد. بر اساس نتایج پرسشگری از جامعه هدف در حدود ۵۷/۴ درصد از بخش کشاورزی، ۵/۷ درصد از بخش تجاری و خدماتی و ۳۶/۹ درصد بیکار، در بخش صنعت جذب شده اند.

فعالیت دامپروری نیز با ایجاد واحدهای صنعتی و اختصاص اراضی و مراتع غرب روستا جهت این نوع فعالیت کاهش یافت و عرصه برای فعالیت دامداری محدود شد، به گونه ای که از ۱۹۰۰ رأس دام در سال ۱۳۶۵ به ۷۸۰ رأس دام در ۱۳۸۱ رسید (مرکز خدمات جهاد کشاورزی روستای ایرج، ۱۳۸۲).

به این ترتیب فعالیتهای دامداری بتدریج از شیوه زیرا در بیرون از روستا به فعالیت و نگهداری دامها در داخل روستا محدود می شود. به طور کلی می توان چنین نتیجه گرفت که ایجاد واحدهای صنعتی تأثیر منفی بر فعالیت دامداری روستای ایرج داشته و این نوع فعالیت بتدریج با گسترش فعالیتهای صنعتی رو به کاهش است.

فعالیت صنعتی و تغییرات سریع در کاربری اراضی

تا قبل از سالهای ۱۳۷۰، تغییر کاربری اراضی در محدوده مطالعه شده بسیار اندک بود ولی از سالهای ۱۳۷۰ به بعد در نتیجه عوامل و نیروهای بیرونی (مانند ایجاد مجتمع فولاد) بتدریج تغییراتی در کاربری اراضی به وجود آمد. کاربری صنعتی در محدوده مطالعه شده تا قبل از ایجاد مجتمع فولاد و صنایع جنینی و وابسته به آن در حدود ۱۳ هکتار بوده است. اما با ایجاد مجتمع فولاد یعنی از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۱، مقدار ۱۳۵۳ هکتار از اراضی محدوده مطالعه شده تبدیل به کاربری صنعتی شده اند. از این مقدار حدود ۵۳۶ هکتار قبلاً دارای کاربری کشاورزی بوده اند که ۳۰۰ هکتار آن اراضی کشاورزی روستای ایرج و ۲۰۰ هکتار نیز متعلق به روستای خوش بوده و مابقی (۳۶ هکتار) متعلق به روستاهای برج، بزنج و آب بخش بوده است.

به دلیل نزدیکی روستای ایرج به واحدهای صنعتی، بیشترین تأثیر در زمینه تغییر کاربری اراضی متوجه این روستا شده است. در این روستا علاوه بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی پیرامون روستا، در بافت فیزیکی روستا نیز به دلیل رشد جمعیت و گسترش فعالیتهای صنعتی تغییراتی در کاربری اراضی به وجود آمده است که به موجب آن حدود ۲ هکتار از اراضی زراعی و باغی روستا به کاربریهای مسکونی و تجاری تبدیل شده است. همچنین در نتیجه گسترش فعالیتهای صنعتی در حدود ۴ هکتار از اراضی این روستا از کاربری کشاورزی به کاربری ارتباطی تغییر پیدا کرده است. در محدوده مطالعه شده در حدود ۷۸۴ هکتار از اراضی که به کاربری صنعتی تبدیل شده اند، قبلاً دارای کاربری مرتعی و جزء اراضی منابع طبیعی محسوب می شده است. تأثیرات فعالیتهای صنعتی در زمینه تغییر کاربری اراضی تنها مختص محدوده مطالعه شده نبوده بلکه تأثیراتی را نیز بر اراضی باغی و زراعی پیرامون شهر اسفراین نیز بر جای گذاشته است، به گونه ای که حدود ۱/۵ هکتار از اراضی زراعی و باغی قسمتهای غربی و جنوب غربی شهر اسفراین جهت ایجاد واحدهای مسکونی کارگران و افراد شاغل این واحدها اختصاص یافت.

بنابراین می توان چنین بیان کرد که تغییرات کاربری اراضی در محدوده مطالعه شده در نتیجه عوامل بیرونی (تصمیمات سیاسی و ملی در زمینه مکانیابی صنعتی) بوده است و در مرحله دوم عوامل درونی در این عامل نقش داشته است و گسترش فعالیتهای صنعتی عامل اصلی تغییر کاربری اراضی می باشد.

نتیجه گیری

آنچه که مطرح شد نمونه ای از ورود سرمایه های شهری به محیط روستایی و برهم خوردن نظام سنتی تولید روستایی است. نکته قابل طرح این است که اگر تداخل و همجواری صنایع و فعالیتهای مربوط در روستا بخوبی هدایت نشود آیا باز هم صنعت می تواند دارای تأثیرات مثبت در محیط پیرامون خود یعنی روستا باشد؟ تجربه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه گویای آن است که استقرار واحدهای صنعتی در حوزه های روستایی همواره دگرگونیهای را در ابعاد اقتصادی و اجتماعی، فضایی و زیست محیطی در مقیاس محلی و منطقه ای به دنبال داشته است.

تغییر در کاربری اراضی و تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی با دوام و افزایش فرصتهای شغلی و کاهش فعالیت دامداری از پیامدهای بارز گسترش فعالیتهای صنعتی بوده اند. بنابراین با توجه به آنچه ذکر شد، می توان نتایج زیر را بیان کرد:

- ۱- از مهمترین آثار استقرار صنعت در محدوده مطالعه شده تغییر کاربری اراضی می باشد. با گسترش فعالیتهای صنعتی و خدماتی استفاده از اراضی در بخش، مسکن افزایش پیدا کرده است. به گونه ای که تا قبل از سالهای ۱۳۷۰ تغییر کاربری اراضی کشاورزی به صنعتی تنها در حدود ۱۳ هکتار بوده است، در حالی که بعد از سالهای ۱۳۷۰ با گسترش فعالیتهای صنعتی تا سال ۱۳۸۱ در حدود ۱۳۵۳ هکتار از اراضی کشاورزی، مرتعی و ملی به کاربری صنعتی تبدیل شده اند.
- ۲- از دیدگاه کالبدی، بیشترین تأثیرات در نتیجه ورود صنعت به محدوده مطالعه شده، در عرصه روستای ایرج به دلیل نزدیکی به واحدهای صنعتی مشاهده می شود. این امر باعث ثبات و افزایش جمعیت، ساخت و ساز و به کارگیری مصالح جدید شد؛ به گونه ای که تعداد واحدهای مسکونی از ۲۴۹ واحد در سال ۱۳۷۵ به ۴۰۵ واحد در سال ۱۳۸۲ رسید. شرایط فوق منجر به افزایش قیمت زمین، مسکن و اجاره بها شد.

۳- کاهش زمینهای کشاورزی و منابع آب به نفع بخش صنعت می باشد. گسترش فعالیتهای صنعتی همچنین باعث کاهش سطح زیر کشت و تغییر نوع محصولات (مانند حذف شدن چغندر قند از الگوی کشت) شده است. به گونه ای که در روستای مراغه که در گذشته از منابع آب فراوان (بخصوص قنات) برخوردار بوده، در حال حاضر به دلیل کمبود آب، سطح زیر کشت این روستا از ۴۵۸ هکتار در سال ۱۳۶۲ به ۳۵۰ هکتار در سال ۱۳۷۷ رسیده است. از دیگر پیامدهای منفی استقرار صنعت، کاهش فعالیتهای دامداری در روستای ایرج می باشد. به طور کلی استقرار صنایع در مناطق روستایی دارای جهتگیری کشاورزی نبوده، در این صورت تأثیر مهمی در تغییر بهره وری صنعتی و ایجاد پیوند میان بخش کشاورزی و صنعت نداشته است.

۴- از مهمترین پیامدهای گسترش فعالیتهای صنعتی در محدوده مطالعه شده ایجاد اشتغال و فرصت های جدید شغلی و افزایش درآمد روستائیان شاغل در بخش صنعت و خدمات بوده و به تبع آن افزایش مصرف کالاهای با دوام و بی دوام در سطح خانوارهای شاغل در بخش صنعت می باشد. این تبعات به شکل گسترده ای در ارزش و قیمت زمین، مصرف کالاها و مواد غذایی کرد پیدا کرده است.

۵- بهبود کیفیت راههای ارتباطی، تنوع و افزایش وسایل نقلیه موتوری، افزایش رفت و آمد روستائیان به شهر و افزایش جمعیت، اشتغال، درآمد و تعداد واحدهای خدماتی و تجاری در نتیجه گسترش فعالیتهای صنعتی در محدوده مطالعه شده بوده است.

با توجه به آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که مکان گزینی صنایع بزرگ در محدوده مطالعه شده در نتیجه عوامل بیرونی بوده است و سازگاری کمتری با نیازهای فرهنگی، فنی و اقتصادی محیط داشته، هر چند که در کوتاه مدت آثار مطلوبی داشته اما در کل در آینده آثار نامطلوبی را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و غیره بر روستاها بر جای می گذارد. بطور کلی آثار استقرار صنعت بیشتر اقتصادی بوده تا آثار اجتماعی و فرهنگی. از آنجا که کشاورزی و دامپروری در اقتصاد منطقه و محدوده مطالعه شده نقش اساسی داشته می باید آب و خاک را نه تنها حفظ بلکه به نحو روز افزونی نسبت به استفاده هر چه بهتر و بیشتر از آن در بخش کشاورزی اقدام کرد. در نتیجه اگر امکان گسترش واحدهای صنعتی در منطقه باشد در رابطه با صنایع وابسته به کشاورزی و غذایی از قبیل صنایع تولید کنسرو و میوه ها و سبزیها، صنایع فرآوری و بسته بندی خشکبار و میوه ها و سبزیها، صنایع تولید محصولات لبنی و شیر و... باشد، زیرا که در اقتصاد روستایی، این صنایع کارآمدتر، اثر بخش تر و پایدار خواهند بود و علاوه بر توسعه بخش کشاورزی در این محدوده از توان اشتغال زایی بالایی برخوردار می باشند و سرمایه گذاری کمتری جهت احداث و راه اندازی نسبت به دیگر صنایع نیاز دارند. همچنین توجه به صنایع روستایی به دلیل اشتغال بالا و هماهنگی بیشتر با محیط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی روستایی به دلیل آثار منفی کمی که به محیط دارد، ضروری می نماید.

جدول ۷ آثار مثبت و منفی گسترش فعالیتهای صنعتی در محدوده مطالعه شده.

آثار منفی		آثار مثبت	
بلند مدت	کوتاه مدت	بلند مدت	کوتاه مدت
۱- کاهش فعالیت دامداری و کشاورزی در روستای ایرج در نتیجه تغییر کاربری اراضی	۱- افزایش تردد و تصادمات جاده ای ۲- تغییر کاربری اراضی کشاورزی	- افزایش دستمزدها - افزایش فرصتهای شغلی درآمدی - افزایش و بهبود امکانات خدماتی و تجاری	۱- جذب نیروی کار روستایی غیر ماهر مراحل ساختمانی واحدهای صنعتی
۲- دگرگونی محیط و ایجاد چشم اندازهای جدید در اثر بار گذارهای صنعتی و افزایش بار جغرافیایی محیط	۳- کاهش آب شرب روستا	۴- افزایش و بهبود زیر ساختها و امور زیربنایی	۲- ایجاد اشتغال برای بیکاران فصلی
۳- افزایش قیمت و بورس بازی زمین و به تبع آن تغییر کاربری اراضی کشاورزی		۵- افزایش درآمد و به تبع آن افزایش رفاه (بهداشت، مسکن، آموزش و ...) و تغییر و بهبود الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای مصرفی با دوام	۳- تثبیت و جمعیت پذیری روستای ایرج افزایش رغبت یا ماندگاری در روستا
۴- افزایش آلودگیهای زیست محیطی		۶- افزایش قابل توجه جمعیت شاغل بخش صنعت	
۵- افزایش مهاجرتهای روستایی در نتیجه بهبود وضعیت درآمدی و رفاه			
۶- کاهش و افت آبهای زیرزمینی خشک شدن قنوات			

ماخذ: رحمانی، میرزایی، ۱۳۸۳.

منابع

- ۱- آمار و ارقام ادواری وزارت صنایع و معادن، (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳).
- ۲- آمارهای مرکز بهداشت شهرستان اسفراین، (۱۳۸۱).
- ۳- برنامه و بودجه استان اصفهان، (۱۳۶۴)، خطوط هادی برای سازماندهی امور صنعتی استان اصفهان.
- ۴- بیژن رحمانی، (۱۳۷۵)، بنیادهای جغرافیایی اقتصاد ایران، انتشارات علوی.
- ۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی (استان خراسان)، آمارنامه استانی طی سالهای (۱۳۵۵، ۱۳۶۶، ۱۳۷۵).
- ۶- جهاد سازندگی، (۱۳۷۵)، مجموعه سخنرانیهای استقرار صنعت در روستا.
- ۷- قره نژاد، حسین، (۱۳۷۱)، مقدمه ای بر جغرافیایی صنعتی، جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
- ۸- مرکز خدمات جهاد کشاورزی روستای ایرج، (۱۳۸۲).